

بررسی دروغ در آیات و روایات

نویسنده: خادم حسین صالحی.

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۱۸

چکیده

دروغ از بدترین معایب، زشت‌ترین گناهان و منشأ بسیاری از مفساد فردی و اجتماعی است و رواج دروغ در جامعه زیان‌های جبران‌ناپذیر مادی و معنوی در پی دارد.

بنابراین، این پژوهش با رویکرد مبتنی بر قرآن و روایات معصومین (ع)، به بررسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی دروغ، مذمت دروغ، جواز دروغ، آثار دروغ، و نیز علل دروغ‌گویی، تحت عنوان «بررسی دروغ در آیات و روایات»، در یک مقدمه و پنج اصل، پرداخته است.

واژگان کلیدی

مفهوم کذب، مذمت دروغ، جواز دروغ، آثار دروغ و علل دروغ‌گویی.

مقدمه

دروغ بدترین سخن، بزرگ‌ترین خطا، بزرگ‌ترین گناه، زشت‌ترین خصلت‌ها فردی و اجتماعی است که ایمان را از بین می‌برد، اعتماد را کم و فساد را ترویج می‌کند و در نتیجه جامعه را به انحطاط می‌کشاند. متون دینی ما، دروغ و دروغ‌گویی را به شدت مذمت نموده است، و افراد دروغ‌گو مورد لعن و نفرین خدای متعال قرار گرفته است «لعنت خدا بر دروغ‌گویان. وای بر هر دروغ‌گوی گناهکار. مرگ باد بر آن دروغ‌گویان» (۱). انبیاء و اولیایی الهی و نیز دروغ را منشأ فسق و فساد می‌دانند، و به شدت از دروغ گفتن منع نموده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «لَا يَخْرُجَنَّ مِنْ فَيْكٍ كَذِبَةٌ أَبَدًا» (۲)؛ (ای علی مواظب باش که) از دهانت دروغی خارج نگردد؛ و آن حضرت در سخن دیگر فرمود: «إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّهُ مَعَ الْفُجُورِ وَ هُمَا فِي النَّارِ» (۳)؛ از دروغ گفتن، دوری کنید، زیرا دروغ و تبهکاری با همند و هر دو در دوزخ؛ و نیز فرمود: «وَيَلُّ لِّلَّذِي يُحَدِّثُ وَيَكْذِبُ

۱. آل عمران، (۳)، آیه ۶۱. جائیه، (۴۵)، آیه ۷. ذاریات، (۵۱)، ۱۰.

۲. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، (۱۴۰۲ ق). الزهد. تحقیق: عرفانیان یزدی، غلامرضا، ص ۲۲. چاپ دوم. قم: المطبعة العلمية.

۳. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق). مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۳. چاپ اول. قم: مکتبه فقیه.

يُضْحِكُ بِهِ الْقَوْمَ وَيَلُّ لَهُ وَيَلُّ لَهُ وَيَلُّ لَهُ» (۱)؛ وای بر کسی که حرف می‌زند و سخن دروغ می‌گوید تا بدان وسیله دیگران را بخنداند، وای بر او! وای بر او! وای بر او.

علماء علم اخلاق نیز در کتب اخلاقی مانند محقق نراقی در [جامع السعادات] و فیض کاشانی در [محجۀ البیضاء] فقها و مفسرین به تناسب بحث، با استفاده از آیات و روایات در مذمت دروغ و دروغ‌گویی مطالبی زیاد بیان نموده و از جنبه اخلاقی و فقهی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما در عین حال متأسفانه دروغ‌گویی در بین افراد جامعه به طور شایع مشاهده می‌شود که نیاز به بحث و بررسی بیشتر است؛ لذا بنده بر آن شدم که مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی دروغ در آیات و روایات» در اختیار تشنگان علم و فضلت قرار دهم.

از خداوند مهربان عاجزانه مسألت دارم که این عمل کوچک را از این جانب بی‌پذیرد. انشا الله به زودی با ظهور آخرین ذخیره الهی حضرت بقیه‌الله الاعظم، عجل الله تعالی، ظهوره و فرجه، تمام فسق و فساد و پلیدی‌ها از جامعه بر چیده شود، آمین یارب العالمین.

سوالات تحقیق

دروغ چیست؟ چه آثار مادی و معنوی دارد؟ آیا دروغ مصلحت‌آمیز جایز است؟ علل و عوامل دروغ‌گویی چیست؟

روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی اخلاقی، اجتماعی و تربیتی، در قرآن و سنت معصومین (ع)، با روش توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای است. که هنگام تبیین مطالب، اقدام به فیش برداری و موضوع بندی و تنظیم آن گردیده است. منابع مورد استفاده: قرآن کریم، تفاسیر و کتب روای معتبر بوده است، که در بخش منابع درج شده است.

۱. ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق). مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۴. چاپ اول. قم: مکتبه فقیه.

۱. مفهوم کذب

الف. در لغت:

کذب در لغت به معنای خبر دادن از چیزی برخلاف آنچه که هست چه عمداً چه نسیاناً^(۱).

کذب (بر وزن وزر، و کتِف) به معنی دروغ گفتن می‌باشد. صحاح و قاموس و اقرب و... هر دو وزن را مصدر گفته‌اند ولی استعمال قرآن نشان می‌دهد که کذب بر وزن وزر مصدر است.

کذب بر وزن کتِف اسم مصدر است به معنی دروغ مثل «يَقْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ» چون کذب مفعول به یفترون است لذا اسم است نه مصدر یعنی بر خدا دروغ می‌بندند.

تکذیب آن است که دیگری را به دروغ نسبت دهی و بگویی دروغ می‌گوید.

کذاب مبالغه است یعنی بسیار دروغ گو «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»

کاذبه مصدر است مثل عاقبه، عافیه و باقیه «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ - لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ»^(۲).

ب. در اصطلاح:

راجع به کذب تعاریف متعددی ارائه شده که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

دروغ، خبر دادن بر خلاف واقعیت و حق در انواع مختلف آن است، دروغ زبانی، عملی، امر خارجی و معنوی^(۱).

^۱. مصطفوی، حسن، (؟). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱۰، ص ۳۳. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی. فیومی، احمد بن محمد، (؟). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۵۲۸. قم: موسسه دار الهجرة.

^۲. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ ش). قاموس قرآن، ج ۶، ص ۹۷-۹۸. چاپ ششم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

دروغ، خبر دادن از چیزی است بر خلاف واقع که در آن تعمد و خطا یکسان است، زیرا میان صدق و کذب واسطه ای نیست، (۲).

کذب، ضد راستی است؛ و حقیقتش عبارت است از اینکه خبری که گوینده می‌دهد با خارج مطابقت نداشته باشد، پس صدق و کذب وصف خبر است. ولی چه بسا مطابقت، در صدق و مخالفت در کذب به حسب اعتقاد خبر دهنده را هم صدق و کذب می‌نامند، در نتیجه خبری که بر حسب اعتقاد خبر دهنده مطابق با واقع باشد، صدق می‌نامند، هر چند که در واقع مطابق نباشد، و مخالفت خبر به حسب اعتقاد خبر دهنده را دروغ می‌نامند، هر چند که در واقع مخالف نباشد. نوع اول را صدق و کذب خبری، و نوع دوم را صدق و کذب مخبری می‌گویند، (۳).

دروغ، خبر دادن از چیزیست بر خلاف آنچه که است تعمد و خطا در آن یکسان است، زیرا بنا بر مشهور میان صدق و کذب واسطه ای نیست، (۴).

الكذب: الإخبار عن الشيء بخلاف ما هو عليه سواء طابق الاعتقاد أم لا على المشهور، وقيل: الصدق مطابقة الاعتقاد والكذب خلافه وقيل الصدق مطابقة الواقع والاعتقاد معاً والكذب خلافه، (۵)؛ کذب، خبر دادن از چیزی بخلاف آنچه که هست؛ چه مطابق اعتقاد گوینده باشد و یا نباشد و این، قول مشهور است. اما برخی گفته‌اند صدق در جایی به کار می‌رود که کلام گوینده، مطابق اعتقادش باشد، به خلاف کذب. برخی نیز گفته‌اند اگر کلام گوینده، هم مطابق واقع و هم موافق اعتقاد وی بود صدق است و اگر با واقع مخالف بود یا گوینده خود بدان اعتقادی نداشت، کذب است.

۱. مصطفوی، حسن، (۲). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ج ۱۰، ص ۳۴. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

۲. فیومی، احمد بن محمد، (۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۵۲۸. قم: موسسه دار الهجرة.

۳. موسوی همدانی، محمد باقر، (۱۳۷۴ ش). ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۴۷۰. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۴. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵ ش). مجمع البحرین. تحقیق: حسینی اشکوری، احمد، ج ۲، ص ۱۵۷. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.

۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴ ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تحقیق: رسولی محلاتی، هاشم، ج ۱۰، ص ۳۲۵. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

تعاریف فوق بیانگر سه دیدگاه در باب دروغ است.

۱. دروغ به خبر گفته می‌شود که بر خلاف واقع باشد، اعتقاد وعدم اعتقاد در آن نقشی ندارد. بنابراین خبر صادق است که با واقع مطابق باشد و خبر دروغ است که با واقع مطابق نباشد. طبق این دیدگاه ملاک در صدق و کذب مطابقت و عدم مطابقت با واقع است، مثلاً اگر کسی به تصور آن که سخنی بر خلاف واقع می‌گوید، اما آن سخن مطابق واقع باشد، راست گفته است؛ و اگر کسی به تصور آن که سخنی مطابق واقع می‌گوید، اما آن سخن بر خلاف واقع باشد دروغ گفته است. تنها تفاوت در این است که اگر کسی بدون اعتقاد سخنی برخلاف واقع بگوید مورد نکوهش قرار نمی‌گیرد، اما اگر عالماً و عامداً سخنی بر خلاف واقع بگوید، مورد نکوهش قرار می‌گیرد.

۲. ملاک در صدق و کذب مطابقت و عدم مطابقت با اعتقاد است، دروغ به خبر گفته می‌شود که مطابق اعتقاد نباشد، اگرچه مطابق واقع باشد. بنا بر این خبر که بر حسب اعتقاد خبر دهنده مطابق واقع باشد راست است، هرچند مخالف واقع باشد. خبر که بر حسب اعتقاد خبر دهنده مطابق واقع نباشد دروغ است، هر چند مطابق واقع باشد. مثلاً اگر خبر دهنده، خبر دهد که خورشید به دور زمین می‌چرخد و به این خبرش اعتقاد هم داشته باشد این خبر راست است، اگر چه مخالف واقع است؛ و یا خبر دهنده خبر دهد که زمین به دور خورشید می‌چرخد و به این خبرش اعتقاد نداشته باشد این خبر دروغ است و گوینده خبر مورد نکوهش قرار می‌گیرد، اگرچه مطابق واقع است.

۳. دروغ به خبر گفته می‌شود که یا مخالف واقع باشد و یا مخالف اعتقاد باشد و یا مخالف هر دو، راست به خبر گفته می‌شود که هم مطابق واقع باش و هم مطابق اعتقاد.

نکته: تمام این تعاریف در این مورد اتفاق نظر دارند که دروغ خبر دادن است، معمولاً خبر به وسیله زبان گفته می‌شود، ولی منحصر به زبان نیست، چنانکه در این زمان خبر رسانی از طریق مطبوعات امر معمول است، و نیز خبر رسانی به وسیله اشاره و تصویر امکان پذیر است.

نقد این دیدگاه ها

اشکال وارده بر دیدگاه اول: طبق این نظر اگر کسی در خبر دادن دچار اشتباه شد و بدون تعمد بر خلاف واقع خبر داد، مثلاً اگر مورخی در نقل وقایع دچار اشتباه شد و یا فقیهی در فتوا دچار اشتباه شد و یا فیلسوفی

در استدلال دچار اشتباه شد و یا منجمی، زمین شناسی، زیست شناسی، شمی دانی و... در اثبات فرضیه‌اش دچار خطا و اشتباه شدند، چنین افرادی دروغ گو محسوب می‌شوند و آثار دروغ بر آن‌ها مترتب می‌شوند، یعنی آن‌ها گناه کارند، شهادتشان قابل قبول نیست و... در حال که نه شرع و نه عرف بر چنین کسانی آثار دروغ را بار نمی‌کنند، و نسبت دروغ‌گویی به آن‌ها نمی‌زنند.

اشکال وارده بر دید گاه دوم: طبق این دید گاه خبر چهار صورت پیدا می‌کند:

۱. هم مطابق واقع است و هم مطابق اعتقاد، صادق است.

۲. هم مخالف واقع است و هم مخالف اعتقاد، کاذب است.

۳. مطابق واقع است و مخالف اعتقاد، کاذب است.

۴. مخالف واقع است و موافق اعتقاد، صادق است.

اشکال این است که طبق این دید گاه هم پیامبر اعظم (ص) صادق است، که می‌فرماید: خدا شریک ندارد، چون هم مطابق واقع است و هم مطابق اعتقاد پیامبر (ص)؛ و هم مشرکین صادق است که می‌گویند: بت‌ها شریک خدا است، اگرچه مخالف واقع است و اما مطابق اعتقاد آن‌هاست؛ و این تناقض است ممکن نیست که خدا هم شریک داشته باشد و هم شریک نداشته باشد.

اشکال وارده بر دید گاه سوم: طبق این دید گاه نیز خبر چهار صورت پیدا می‌کند:

۱. مطابق واقع است و مخالف اعتقاد، کاذب است.

۲. مخالف واقع است و مطابق اعتقاد، کاذب است.

۳. هم مخالف واقع است و هم مخالف اعتقاد، کاذب است.

۴. هم مطابق واقع است و هم مطابق اعتقاد. صادق است.

اشکال در صورت دوم این دید گاه این است که اگر کسی در خبر دادن دچار اشتباه شد و بدون تعمد بر خلاف واقع خبر داد، مثلاً اگر مورخی در نقل وقایع دچار اشتباه شد و یا فقیهی در فتوا دچار اشتباه شد و یا فیلسوفی

در استدلال دچار اشتباه شد و یا منجمی، زمین شناسی، زیست شناسی، شمی دانی و... در اثبات فرضیه‌اش دچار خطا و اشتباه شدند، چنین افرادی دروغ گو محسوب می‌شوند. در حال که شرعاً و عرفاً این افراد دروغ گو محسوب نمی‌شوند.

از میان دیدگاه‌های موجود در باره دروغ دید گاه اول معقول به نظر می‌رسد. به این بیان که هر خبر مخالف واقع باشد دروغ است، زیرا میان دروغ و راست واسطه‌ای نیست. اما اگر خبر دهنده عمداً خلاف واقع را نگوید نسبت دروغ گو بودن به او داده نمی‌شود و آثار دروغ بر او مترتب نمی‌شود، بلکه می‌گوید اشتباه کرده، اگرچه خود خبر دروغ است ولی گوینده خبر دروغ گو نیست، وهم چنین اگر خبر دهنده خبر مطابق واقع بگوید ولی اعتقاد به آن نداشته باشد نسبت دروغ گو بودن به او داده می‌شود اگرچه خود خبر راست است. زیرا برای دروغ گفتن فقط یک هدف است و آن نشان دادن خلاف واقع به دیگران است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه «وَمَا تَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ» (۱)؛ (ما فضیلت و برتری از شما بر خودمان نمی‌بینیم. بلکه ما شما را دروغ گو گمان می‌کنیم) می‌گوید: مراد از کذب، کذب مخبری است، نه خبری. یعنی خواسته‌اند بگویند شما دروغ‌گوئید، نه اینکه بگویند خبری که می‌دهید دروغ است چون آن حضرات خبری نداده بودند تا راست باشد یا دروغ، (۲).

وی هم چنین در ذیل آیه «وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (۳)؛ خدا شهادت می‌دهد که منافقان دروغ‌گویند. می‌گوید:

کذب بر خلاف صدق است؛ و آن عبارت است از اینکه خبری که گوینده می‌دهد با خارج مطابقت نداشته باشد، پس صدق و کذب وصف خبر است. ولی چه بسا مطابقت، در صدق و مخالفت در کذب به حسب اعتقاد خبر دهنده را هم صدق و کذب می‌نامند، در نتیجه خبری که بر حسب اعتقاد خبر دهنده مطابق با واقع باشد، صدق می‌نامند، هر چند که در واقع مطابق نباشد، و مخالفت خبر به حسب اعتقاد خبر دهنده را دروغ می‌نامند، هر چند که در واقع مخالف نباشد. نوع اول را صدق و کذب خبری، و نوع دوم را صدق و کذب مخبری می‌گویند. آن گاه نتیجه می‌گیرد که مقصود خداوند هنگام تکذیب منافقان کذب مخبری است، نه خبری

۱. هود، (۱۱)، آیه ۲۷.

۲. موسوی همدانی، محمد باقر، (۱۳۷۴ ش). ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۳۰۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی

۳. منافقون، (۶۳)، آیه ۱.

(^۱). بنابراین اگر کلام را نسبت به خارج بسنجیم، مطابقت و عدم مطابقت با واقع خارجی ملاک صدق و کذب و اگر کلام را نسبت به گوینده بسنجیم، معیار اعتقاد و عدم اعتقاد خواهد بود.

ج. دروغ در قرآن:

واژه کذب با مشتقاتش ۲۸۳ بار در قرآن تکرار شده است، (^۲)؛ و دارای مفهوم گسترده است، یعنی بیان کردن و نشان دادن هر نوع خلاف واقع و حق و گمراه کردن دیگران به هر وسیله‌ی دروغ است. که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. دروغ زبانی: «وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (^۳)؛

بر خدا دروغ می‌بندند، در صورتی که میدانند (این سخن دروغ است).

۲. دروغ عملی. ناصیه کاذبه خاطئه (^۴)؛ پیشانی که دروغ گو و خطا کار است.

۳. دروغ در موضوع خارجی. «وَجَاءُ عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ» (^۵)؛ پیراهن یوسف را که به خونی دروغین آغشته بود نزد پدر آوردند.

۴. دروغ در امر معنوی. «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» (^۶)؛ قلب او تکذیب نکرد آنچه را که دید.

^۱. طباطبای، سیدمحمد حسین، (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۷۹. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

^۲. فوادعبد الباقي، محمد، (۱۳۶۹ ش). المعجم المفهرس. چاپ نهم. تهران: انتشارات اسماعیلیان.

^۳. آل عمران، (۳)، آیه ۷۵ و ۷۸.

^۴. علق، (۹۶)، آیه ۱۶.

^۵. یوسف، (۱۲)، آیه ۱۸.

^۶. نجم، (۵۳)، آیه ۱۱.

۵. مطلق دروغ. «انَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» (۱)؛ خدا کسی را که دروغ گو و کافر است هدایت

نمی‌کند.

۲. مذمت دروغ در متون دینی

متون دینی ما، دروغ را کلید پلیدی‌ها و گناهان، منشأ فسق، در به سوی نفاق، نماد بی‌ایمانی، بدترین سخن، بزرگ‌ترین خطا، بزرگ‌ترین گناه، زشت‌ترین خصلت‌ها، مایه بی‌اعتمادی و خیانت به دیگران می‌دانند و از مسلمانان می‌خواهند که از آن بپرهیزند. که در ذیل به چند نمونه آیات و روایات اشاره می‌شوند:

دروغ گو مورد لعن و نفرین خدای متعال قرار گرفته است:

در آیات متعدد دروغ‌گو مورد مذمت قرار گرفته است، از جمله، در آیات مربوط به لعان و مباحله دروغ‌گو مورد لعن الهی قرار گرفته است. «انَّ لَعْنَةَ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنْ كَانَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ» (۲)؛ به راستی لعنت خدا بر او باد اگر از دروغ‌گویان باشد؛ و در آیه مباحله می‌فرماید: «... لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَى الْكٰذِبِيْنَ» (۳) ... لعنت خدا را بر دروغ‌گویان بفرستیم. خداوند متعال در آیه دیگر دستور داده است که از بت پرستی و دروغ گفتن اجتناب کنید: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْاَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّوْرِ» (۴)؛ از پلیدی‌ها یعنی بت‌ها اجتناب کنید و از سخن باطل و بی‌اساس [دروغ] بی‌پرهیزید. [زور] به معنای باطل و انحراف است. به سخن دروغ از آن جهت زور گفته

۱. زمر، (۳۹)، آیه ۳.

۲. نور، (۲۴)، آیه ۷.

۳. آل عمران، (۳)، آیه ۶۱.

۴. حج، (۲۲)، آیه ۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴). مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۱۶۳. چاپ دوم. تهران: نشرمرتضوی.

می‌شود که چون از حقیقت و اصلش منحرف شده است، (۱). «وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ» (۲)؛ وای بر هر دروغ‌گوی گناهکار. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: [ویل] به معنای هلاکت، و [أفاک] مبالغه از [افک] است که به معنای دروغ است؛ و کلمه [أثیم] مشتق از [اثم] است که به معنای گناه و نافرمانی است، و معنای آیه این است که هلاکت و مرگ بر هر دروغ‌گوی گناهکار، (۳)؛ و در آیه دیگر می‌فرماید: «قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ» (۴)؛ مرگ باد بر آن دروغ‌گویان. «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (۵)؛ پس وای بر آن افرادی که کتاب یعنی تورات را بدست‌های خویشان می‌نویسند و سپس [به دروغ] می‌گویند: این تورات از طرف خدا می‌باشد. در آیه دیگر می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ...» (۶)؛ وای بر کم‌فروشان، آن افرادی که هرگاه چیزی از مردم می‌گیرند تمام می‌گیرند؛ ولی هرگاه چیزی را به وسیله کیل، یا وزن می‌دهند کم می‌دهند. با توجه به این که دروغ یعنی، انحراف و گمراه کردن دیگرانند، عده‌ی از طریق کم‌فروشی که دروغ عملی است دیگران را منحرف و گمراه می‌کنند.

دروغ گو هم نشین شیاطین است

به شهادت قرآن شیطان این موجود متکبر و دروغ‌گو (۷)، این دشمن قسم خورده انسان (۸) به جهت سنخیت که به افراد دروغ‌گو از جهت نافرمان و معصیت دارد، بر آن‌ها نازل می‌شود و به کمک آن‌ها به دروغ پردازی خود ادامه می‌دهد تا انسان‌ها را منحرف می‌کند. خداوند متعال فرمودند: «هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ. تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ» (۹)؛ آیا شما را آگاه کنم که شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند، شیاطین بر هر دروغ‌گوی گنه‌کاری نازل می‌شوند.

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴). مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۱۶۳. چاپ دوم. تهران: نشر مرتضوی.

۲. جائیه، (۴۵)، آیه ۷.

۳. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۵۹. قم: النشر اسلامی.

۴. ذاریات، (۵۱)، آیه ۱۰.

۵. بقره، (۲)، آیه ۷۹.

۶. مطفین، (۸۳)، آیه ۱-۳.

۷. بقره، (۲) آیه ۳۴. شعراء، (۲۶)، آیه ۲۲۳.

۸. ص، (۳۸)، آیه ۸۲.

۹. شعراء، (۲۶)، آیه ۲۲۱ و ۲۲۲.

و نیز در روایات به عبارات و تعابیر مختلف از دروغ و دروغ‌گو مذمت شده است که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

دروغ کلید پلیدی‌ها و گناهان است. امام باقر (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَّابَ وَ الْكُذِبُ شَرُّهُ مِنَ الشَّرَّابِ»^(۱)؛ خداوند متعال برای شرّ قفل‌هایی قرار داده است، و کلید آن قفل‌ها شراب است و دروغ از شراب هم بدتر است. امام حسن عسکری (ع) فرمود: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ، وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكُذِبُ»^(۲)؛ تمام پلیدی‌ها در اتاقی قرار داده شده و کلید آن اتاق، دروغ است. این دو حدیث عامل تمام شرارت و بدی، خبثات و پلیدی را دروغ می‌دانند، بنابراین اگر کسی یا جامعه‌ی می‌خواهد از شرارت و خبثات در امان باشد باید از دروغ دوری کند.

دروغ با ایمان جمع نمی‌شود. خداوند متعال فرمودند: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ»^(۳)؛ کسانی دروغ می‌بافند که به آیات خدا ایمان ندارند. کسی ایمان دارد نافرمانی نمی‌کند و در کنار شیطان قرار نمی‌گیرد، تا دیگران را از واقعیت و حقیقت منحرف و دور کنند.

پیامبر اسلام فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ الْكُذِبَ فَإِنَّ الْكُذِبَ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ»^(۴)؛ از دروغ بی‌پرهیزید که دروغ با ایمان ناسازگار است؛ و نیز فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَنْطَبِعُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا عَلَى الْكُذِبِ وَ الْخِيَانَةِ.»^(۵)؛ هر خصلتی در مؤمن ریشه دار می‌شود، جز دروغ و خیانت. امام علی (ع) فرمود: «جَانِبُوا الْكُذِبَ فَإِنَّ الْكُذِبَ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ»^(۶)؛ از دروغ بی‌پرهیزید که دروغ با ایمان ناسازگار است. امام رضا (ع) فرمود که پیامبر اسلام (ص) فرموده

^۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۳۳۹. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

^۲. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، (۱۴۰۸ ق). نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۴۵. چاپ اول. قم: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف.

^۳. نحل، (۱۶)، آیه ۱۰۵.

^۴. پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲ ش). نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۳۵۵. چاپ چهارم. تهران: دنیای دانش.

^۵. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص ۸۸. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

^۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ ق) المحاسن. تحقیق: محدث، جلال الدین، ج ۱، ص ۲۹۰. چاپ دوم. قم: دار الکتب.

است: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ بَخِيلًا قَالَ نَعَمْ قِيلَ وَ يَكُونُ كَذَابًا قَالَ لَا» (۱)؛ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند آیا انسان مؤمن ممکن است ترسو باشد؟ فرمود: آری. باز پرسیدند آیا ممکن است بخیل باشد؟ فرمود: آری. پرسیدند آیا ممکن است دروغ گو باشد؟ فرمود: نه. امام علی (ع) فرمود: «لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرَكَ الْكُذْبَ هَزْلَهُ وَ جِدَّةً» (۲)؛ انسان هیچ گاه طعم ایمان را نمی چشد تا دروغ را ترک گوید خواه شوخی باشد یا جدی. امام باقر (ع) فرمود: «إِنَّ الْكُذْبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ» (۳)؛ دروغ ویران کننده ایمان است. امام صادق (ع) فرمود: «الْمُؤْمِنُ لَا يُخْلَقُ عَلَى الْكُذْبِ وَ لَا عَلَى الْخِيَانَةِ» (۴)؛ مؤمن به دروغ گوئی و خیانت آفریده نشده. این روایات بسیار صریح و تکان دهنده است که دروغ گویان را در سر حد کافران و منکران قرار می دهند. بنا بر این کسانی که دروغ می گویند باید به ایمانش شک کنند، زیرا ایمان با دروغ یک جا جمع نمی شود، یا دست از دروغ گویی بردارند یا از ایمان.

دروغ بدترین سخن است. خداوند متعال در این باره فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا سخنانی می گوید که انجام نمی دهید نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگوئید و انجام ندهید. این آیه نیز از زشتی دروغ سخن می گوید که دروغ را خدا نمی پسندد. امام علی (ع) فرمود: «وَأَشْرُّ الْقَوْلِ الْكُذْبُ» (۶)؛ دروغ بدترین سخن است.

۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ ق). المحاسن. تحقیق: محدث، جلال الدین، ج ۱، ص ۱۱۸. چاپ دوم. قم: دار الکتب الإسلامیه.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۳۴۰. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۳۳۹. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳ ش). تحف العقول. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ص ۳۶۷. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.

۵. صف، (۶۱)، آیه ۲ و ۳.

۶. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، (۱۴۱۰ ق). الغارات. تحقیق: حسینی، عبد الزهراء، ج ۲، ص ۳۵۳. چاپ اول. قم: دار الکتب الإسلامیه.

دروغ‌گویی بزرگ‌ترین خطا است. امام علی (ع) فرمود: «وَمِنْ أَعْظَمِ الْخَطَايَا اللَّسَانُ الْكَذُوبُ»^(۱)؛ بزرگ‌ترین خطاها زبان دروغ گو است. این سخن بسیار تکان دهنده است، ممکن است انسان غیبت کند، نامی کند و به دیگران توهین کند و... ولی گناه دروغ از همه ای این‌ها بزرگ‌تر است.

دروغ منشأ فسق است. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ الْكُذِبَ فَإِنَّ الْكُذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ»^(۲)؛ از دروغ‌گویی بی‌پرهیزید چرا که دروغ به فسق (بدکاری) دعوت می‌کند، و فسق به سوی جهنم می‌کشاند. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «الْكَذِبُ يَسْقِي بَابَ كُلِّ شَرِّ كَمَا يَسْقِي الْمَاءُ أَصُولَ الشَّجَرِ»^(۳)؛ دروغ ریشه‌های شر را آبیاری می‌کند، همان‌گونه که آب، ریشه‌های درختان را سیراب می‌نماید. بنا بر این هرچه دروغ‌گویی زیاد شود و در اجتماع شیوع پیدا کنند، به همان اندازه فساد و شرارت در جامعه زیاد می‌شوند و هرچه دروغ‌گویی کم شود فساد و شرارت نیز کم می‌شوند.

دروغ دری به سوی نفاق است. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «الْكَذِبُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النِّفَاقِ»^(۴)؛ دروغ دری از درهای نفاق است. خداوند متعال فرمود: «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ»^(۵)؛ پس برای آنکه به وعده‌های خود با خدا وفا نکردند، و به سبب آنکه همواره دروغ می‌گفتند، نفاقی [ثابت] را در دل‌هایشان تا روزی که خدا را ملاقات کنند، باقی گذاشت. در این آیه شریفه، نفاق معلول دو چیز دانسته شده است، یکی خلف وعده و پیمان شکنی و دیگری دروغ گفتن. چنانکه اغلب مفسرین معتقدند که این آیه در باره یکی از انصار به نام [ثعلبه بن حاطب] نازل شده است، و این شخص هم پیمان شکنی کرد و هم دروغ گفت، در نتیجه به خصیصه‌ی نفاق گرفتار شد. طبق این حدیث و آیه ترویج دروغ ترویج نفاق است، جلوگیری از دروغ جلوگیری از نفاق است، و لذا وظیفه همه‌ی مسلمین مخصوصاً مسئولین سیاسی و اجتماعی و مبلغین دینی این است که از دروغ‌گویی به جد پرهیز کنند.

^۱. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). الإختصاص. محقق: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، ص ۳۴۳. چاپ اول. قم: المؤتمر العالمي لالفيه الشيخ المفيد.

^۲. شعیری، محمد بن محمد، (۹). جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۴۸. چاپ اول. نجف: مطبعة حیدریه.

^۳. عبدالله بن محمد بن عبید بن أبیس دنیا، (۱۴۱۰). کتاب الصمت و آداب اللسان. تحقیق: أبو اسحاق الحوينی، ص ۲۵. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العربی.

^۴. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق). مجموعه ورام، ج ۱ ص ۱۱۳. چاپ اول. قم: مکتبه فقیه.

^۵. توبه، (۹)، آیه ۷۷.

دروغ گفتن خیانت است، رسول خدا (ص) فرمود: «كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ وَ أَنْتَ بِهِ كَاذِبٌ» (۱)؛ خیانت بزرگی است که سخنی برای برادرت بازگو کنی، او به تو راست گوید و تو به او دروغ بگویی. دروغ در صورت کار برد دارد که مورد اعتماد دیگری باشد و سو استفاده از اعتماد دیگری خیانت است.

دروغ گو قابل اعتماد نیست. خداوند متعال فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد تحقیق کنید. مفهوم آیه این است که خبر فرد فاسق قابل اعتماد نیست و کذب از مصداق بارز فسق است، بنابراین فرد کاذب قابل اعتماد نیست. امام علی (ع) فرمود: «مَنْ عَرَفَ بِالْكَذِبِ لَمْ يُقْبَلُ صِدْقُهُ» (۳)، هر که به دروغ گویی معروف است، راستش نیز پذیرفته نمی‌شود. چون فرد دروغ گو قابل اعتماد نیست؛ و در سخن دیگر فرمود: «مَنْ عَرَفَ بِالْكَذِبِ قَلَّتِ الثَّقَةُ بِهِ» (۴)؛ هر که به دروغ گویی معروف است اعتماد به او کم است. گرچه معتمد بودن برای هرکسی مهم است، اما برای مقامات سیاسی و دینی بسیار مهم است، و چه بسا به خاطر دروغ‌گویی یک مقام دینی مردم به اصل دین بد بین شود.

دروغ گو مستوجب لعن فرشتگان است. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «الْمُؤْمِنُ إِذَا كَذَبَ مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ لَعَنَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ خَرَجَ مِنْ قَلْبِهِ نَتْنٌ حَتَّى يَبْلُغَ الْعَرْشَ فَيُلْعَنُهُ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِتِلْكَ الْكَذِبَةِ سَبْعِينَ زَنْبَةً أَهْوَنُهَا كَمَنْ يَزْنِي مَعَ أُمَّه» (۵)؛ هرگاه مؤمن بدون عذر دروغ بگوید هفتاد هزار فرشته او را لعنت می‌کنند و از قلبش بوی گندی بیرون می‌آید که تا به عرش می‌رسد، آنگاه نگهبانان عرش بر او لعن می‌فرستند و خداوند بر او هفتاد زنا می‌نویسد که کمترین آن‌ها زنا با مادر است.

۱. همان، ص ۱۱۴.

۲. حجرات، (۴۹)، آیه ۶.

۳. لیشی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیثی). محقق: حسنی بیرجندی، حسین، ص ۴۳۰. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

۴. همان.

۵. شعیری، محمد بن محمد، (۹). جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۴۸. چاپ اول. نجف: مطبعة حیدریه.

دروغ گفتن بزرگ‌ترین گناه است. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «أَلَا أُنبئُكُمْ بِكَبِيرِ الْكِبَائِرِ ثَلَاثًا، قُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَ عَتُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ كَانَ مُتَكَبِّرًا فَجَلَسَ وَ قَالَ أَلَا وَ قَوْلُ الزُّورِ^۱ فَمَا زَالَ يُكْرَرُهَا حَتَّى قُلْنَا لَيْتَهُ سَكَتَ»^(۲)؛ آیا می‌خواهید که بزرگ‌ترین گناهان کبیره را به شما معرفی کنم؟ سه مرتبه این سخن را تکرار کرد، راوی می‌گوید: عرض کردیم: آری یا رسول الله! فرمود: «شریک قائل شدن برای خدا، عاق والدین» سخن به اینجا که رسید، تکیه داده بود، نشست، و فرمود: بدانید: و سخن دروغ پس همواره آن را تکرار می‌کرد، به حدی که ما گفتیم: ای کاش او سکوت می‌کرد؛ و آن حضرت در سخن دیگر فرمود: «أَرَبِي الرَّبُّ الْكَذِبُ»^(۳)؛ گناه دروغ گفتن از ربا بیشتر است.

دروغ گو مانند سراب است. امام علی (ع) فرمود: «وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكُذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبُعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ»^(۴)؛ از دوستی با دروغ‌گو بر حذر باش زیرا او مانند سراب است که در نظرت دور را نزدیک و نزدیک را دور می‌سازد.

دروغ‌گو به حال خودش رها می‌شود. امام سجاد (ع) فرمود: «أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَ تَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرفَضْتَنِي»^(۵)؛ خدایا شاید مرا در جایگاه دروغ‌گویان یافتی که به حال خود رهایم کردی.

عاقل دروغ نمی‌گوید. امام موسی کاظم (ع) فرمود: «إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَ إِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاهُ»^(۶)؛ انسان عاقل دروغ نمی‌گوید هر چند به آن تمایل داشته باشد. با توجه به زشتی و مضرات دروغ چگونه ممکن است انسان عاقل دروغ بگوید.

دروغ‌گویی زشت‌ترین خصلت‌ها است. امام علی (ع) فرمود: «أَقْبَحُ الْخَلَائِقِ الْكُذَّبُ»^(۱)؛ و نیز فرمود: «لَا شِيْمَةَ أَقْبَحُ مِنَ الْكُذْبِ»^(۲)؛ هیچ خویی زشت‌تر از دروغ گفتن نیست.

^۱. (۲) فی بعض النسخ [و شهادة الزور].

^۲. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق). مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۸. چاپ اول. قم: مکتبه فقیه.

^۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۴، ص ۳۷۷. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

^۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، حکمت ۲۸، ص ۴۷۵. چاپ اول. قم: هجرت.

^۵. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ ق). مصباح‌المتهجد و سلاح‌المتعبد، ج ۲، ص ۵۸۸. چاپ اول. بیروت: موسسه فقه‌الشیعه.

^۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق). کافی، ج ۱، ص ۳۹. چاپ اول. قم: دار‌الحديث.

از روایات فوق استفاده می‌شود که دروغ سرچشمه انواع گناهان، پلیدی‌ها، نفاق، بی‌اعتمادی و پوچی است، دروغ بدترین سخن، بزرگ‌ترین اشتباه است و بزرگ‌ترین گناه است؛ دروغ‌گو همکار وهم‌نشین شیاطین و مورد لعن خداوند متعال و فرشتگان است.

۳. جواز دروغ

بی‌تردید دروغ بزرگ‌ترین گناه، زشت‌ترین خصلت‌ها، منشأ فسق و فساد و پلیدی‌ها است. دروغ زیان‌های زیادی برای جوامع بشری از نظر مادی و معنوی، فردی و اجتماعی در پی دارد، و تا ضرورت و مصلحت مهمی در کار نباشد گفتن دروغ جایز نیست، بنابراین در موارد خاص دروغ مجاز شمرده شده است که این موارد عمدتاً عبارتند از:

۱. دروغ برای صلح و آشتی.
 ۲. دروغ برای اغفال دشمن در جنگ.
 ۳. دروغ در مقام تقیه.
 ۴. وعده به خانواده و همسر.
- در تمام این موارد، در صورت ضرورت و حفظ هدف مهم‌تر دروغ جایز است.

یکی از موارد جواز دروغ تقیه است. تقیه از مصادیق دروغ و خلاف واقع است و انسان در مقام اضطرار می‌تواند عقیده خود را پنهان کند و بر خلاف عقیده و ایمانش گواهی دهد. امام صادق (ع) فرمود: «مَا حَرَّمَ اللَّهُ شَيْئاً إِلَّا وَقَدْ أَحَلَّهُ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَيْهِ»^(۳)؛ هیچ حرام نیست جز آنکه خداوند آنرا برای کسی که ناچار شده باشد حلال کرده است.

آیات و روایاتی که تقیه را جایز می‌دانند بسیارند که در ذیل به چند تا اشاره می‌شود:

^۱ . تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق: درایتی، مصطفی؛ ص ۲۱۹. چاپ اول: قم: دفتر تبلیغات.

^۲ . همان، ص ۲۲۰.

^۳ . شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۱۰. چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

خداوند متعال می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً»^(۱)؛ نباید مؤمنان، کافران را به جای مؤمنان به دوستی برگزینند. پس هر که چنین کند او را با خدا رابطه‌ای نیست. مگر اینکه از آن‌ها بیمناک باشید. یعنی اگر مجبور است دوستی دروغین با کفار برقرار کند، (تقیه کند) که در این صورت رابطه او با خدا قطع نمی‌شود.

و در آیه دیگر می‌فرماید: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيْمَانِ»^(۲)؛ هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و قلبش به ایمان اطمینان دارد. کسی که جانش در خطر است می‌تواند به دروغ بی‌گناید که من ایمان نیاوردم، چنانکه [عمار یاسر] در صدر اسلام این کار را انجام داد و مورد تأیید پیامبر اکرم (ص) قرار گرفت.

و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ»^(۳)؛ و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت (به فرعونیان) گفت: آیا جا دارد: مردی را برای اینکه می‌گوید: پروردگار من خداست به قتل برسانید؟! در صورتی که او دلیل و برهان‌های روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آورده است. این مرد مؤمن تقیه کرد و ایمانش را برای حفظ هدف مهم‌تر که حفظ جان موسی بود، مخفی نمود.

امام رضا (ع) فرمود: «التَّقِيَّةُ فِي دَارِ التَّقِيَّةِ وَاجِبَةٌ وَلَا حِنْثَ عَلَيَّ مَنْ حَلَفَ تَقِيَّةً يَدْفَعُ بِهَا ظُلْمًا عَنِ نَفْسِهِ»^(۴)؛ تقیه نمودن در جایش واجب است، و هرکسی که برای دفع ستم از خود از روی تقیه سو کند دروغ بخورد کفاره‌ای ندارد. امام صادق (ع) فرمود: «التَّقِيَّةُ وَاجِبَةٌ لَا يَجُوزُ تَرْكُهَا إِلَيَّ أَنْ يَخْرُجَ الْقَائِمُ»^(۵)، تقیه واجب است و نباید ترکش کرد تا قیام حضرت قائم؛ و آن حضرت در سخن دیگری فرمود: «إِنَّ التَّقِيَّةَ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي وَ لَا دِينَ

^۱. آل عمران، (۳)، آیه ۲۸.

^۲. نحل، (۱۶)، آیه ۱۰۶.

^۳. غافر، (۴۰)، آیه ۲۸.

^۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳ ق). تحف العقول. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ص ۴۲۰. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.

^۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۲۱. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۲۵۴. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

لَمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ»^(۱)؛ تقيه دین من و دین پدران من است، ایمان ندارد کسی که تقيه ندارد. این احادیث نه تنها تقيه را جایز می‌داند بلکه او را واجب می‌داند.

روایات که دروغ را در غیر از تقيه جایز می‌داند نیز متعدد است که در ذیل به چند تا اشاره می‌شود:

پیامبر اسلام (ص) در این باره می‌فرماید: «لَا يَصْلِحُ الْكَذِبُ إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ كَذِبُ الرَّجُلِ لِامْرَأَتِهِ وَ كَذِبُ الرَّجُلِ يَمْشِي بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ لِيُصْلِحَ بَيْنَهُمَا وَ كَذِبُ الْإِمَامِ عَدُوَّةٌ فَإِنَّ [فَإِنَّمَا] الْحَرْبَ خُدْعَةٌ»^(۲)؛ دروغ جز در سه مورد شایسته نیست: دروغ مرد به همسرش، دروغ گفتن کسی که در جهت آشتی دادن دو نفر گام برمی‌دارد و دروغ زمامدار جامعه با دشمنانش؛ چرا که جنگ نیرنگ و فریب است.

«لَمْ أَسْمَعُهُ يُرْخِصَ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَقُولُ النَّاسُ كِذْبًا إِلَّا ثَلَاثَ: الْحَرْبُ وَ الْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ وَ حَدِيثُ الرَّجُلِ لِمَرْأَتِهِ وَ حَدِيثُ الْمَرْأَةِ لِزَوْجِهَا»^(۳)، (ابن شهاب می‌گوید): نشنیدم که ایشان [رسول خدا] از مواردی که مردم در آن‌ها دروغ می‌گویند، جز سه مورد را مجاز شمرده باشد: در جنگ، برای اصلاح میان مردم و سخن شوهر به زن خویش و سخن زن به شوهر خود.

و نیز آن حضرت فرمود: «لَا يَحِلُّ الْكَذِبُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ يُحَدِّثُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ لِيُرْضِيَهَا وَ الْكَذِبُ فِي الْحَرْبِ وَ الْكَذِبُ فِي الْإِصْلَاحِ بَيْنَ النَّاسِ»^(۴)؛ دروغ روا نیست، جز در سه مورد: مرد با زن خود گفتگو می‌کند تا خشنودش سازد، دروغ در جنگ و دروغ برای آنکه میان مردم اصلاح کند؛ و نیز آن حضرت فرمود: «يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَبَّ الْكَذِبَ فِي الصَّلَاحِ وَ أَبْغَضَ الصِّدْقَ فِي الْفَسَادِ»^(۵)؛ یا علی خداوند عزوجل، دروغی را که باعث صلح و آشتی شود دوست دارد و از راستی که باعث فتنه شود بیزار است.

^۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ ق). المحاسن. تحقیق: محدث، جلال الدین، ج ۱، ص ۲۵۵. چاپ دوم. قم: دار الکتب الاسلامیه.

^۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، (۹). الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۱۷۱. چاپ اول. تهران: مکتبه النبوی الحدیثه.

^۳. بیهقی، احمد بن حسین، (۹) السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۱۹۷. بیروت: دار الفکر.

^۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار، ج ۶۹ ص ۲۴۳. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

^۵. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۴، ص ۳۵۳. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

امام علی (ع) در این باره فرمود: «أَخْلَفَ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَ أُنْجِحَ أَخَاكَ مِنَ الْقَتْلِ»^(۱)؛ به خدا سوگند دروغ بخور تا برادر خود را از کشتن نجات دهی؛ و نیز فرمود: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ»^(۲)؛ جنگ نیرنگ است.

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «الْكَذِبُ مَذْمُومٌ إِلَّا فِي أَمْرَيْنِ دَفَعِ شَرَّ الظُّلْمَةِ وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ»^(۳)؛ دروغ نکوهیده است؛ جز در دو مورد، دفع شر ستم گران و اصلاح میان مردم. آن حضرت نیز می‌فرماید: «أَيُّمًا مُسْلِمٍ سُئِلَ عَنْ مُسْلِمٍ فَصَدَقَ فَأَدْخَلَ عَلَى ذَلِكَ الْمُسْلِمِ مَضْرَّةً كُتِبَ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَ مَنْ سُئِلَ عَنْ مُسْلِمٍ فَكَذَبَ فَأَدْخَلَ عَلَى ذَلِكَ الْمُسْلِمِ مَنْفَعَةً كُتِبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ»^(۴)؛ هر مسلمانی که از او درباره مسلمان دیگری بی پرسند و او راست بگوید و بدین ترتیب زبانی به آن مسلمان برساند، از دروغ گویان به شمار خواهد رفت و هر که درباره مسلمانانی از او بی پرسند و او دروغ بگوید و بدین ترتیب به آن مسلمان نفعی برساند، نزد خداوند از صادقان شمرده خواهد شد. و نیز آن حضرت فرمود: «كُلُّ كَذِبٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ صَاحِبُهُ يَوْمًا إِلَّا كَذِبًا فِي ثَلَاثَةِ رَجُلٍ كَأَيْدٍ فِي حَرْبِهِ فَهُوَ مَوْضِعٌ عَنْهُ أَوْ رَجُلٌ أَصْلَحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ يَلْقَى هَذَا بِغَيْرِ مَا يَلْقَى بِهِ هَذَا يُرِيدُ بِذَلِكَ الْإِصْلَاحَ مَا بَيْنَهُمَا أَوْ رَجُلٌ وَعَدَّ أَهْلَهُ شَيْئًا وَ هُوَ لَا يُرِيدُ أَنْ يُتِمَّ لَهُمْ»^(۵)؛ هر دروغی برای دروغ‌گو مسئولیت دارد مگر در سه مورد مردی که در جنگ شرکت دارد و باید اسرار جنگی را حفظ کند، مردی که قصد اصلاح بین دو نفر را دارد و سخن آن‌ها را به هم می‌رساند و مردی که به خانواده‌اش وعده داده ولی نمی‌خواهد آن را به طور کامل انجام دهد.

انظار

- ^۱. همان، ج ۳، ص ۳۷۴. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ^۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۷، ص ۴۶۰. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ^۳. شعیری، محمد بن محمد، (۴). جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۴۸. چاپ اول. نجف: مطبعة حیدریه.
- ^۴. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). الإختصاص. تحقیق: غفاری، علی اکبر و محرمیزرندی، محمود، ص ۲۲۴. چاپ اول. قم: المؤتمر العالمی لالشیخ المفید.
- ^۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۳۴۲. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

بی‌تر دید قوانین در صورت کارایی دارند، که کلی و عام باشند و اگر قید یا استثنایی داشته باشند، باید روشن معین باشد؛ وگرنه کارایی خود را از دست می‌دهند. امور اخلاقی نیز از این قاعده کلی خارج نیست. بنابراین شارع مقدس وقتی دروغ را مذمت می‌کند و از دروغ گفتن نهی می‌فرماید، این حکم شارع عام و مطلق است، یعنی دروغ در هر زمان و مکان و شرایطی مذموم است، هیچ کسی و در هیچ شرایطی نباید دروغ بگوید. حال با این پرسش مواجه هستیم که اگر حکم دروغ نگو مطلق است، چگونه با استثناهایی که در این مورد وجود دارد قابل جمع است؟.

به طور کلی چهار دیدگاه برای جمع میان اطلاق این حکم و این استثناءها وجود دارد که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱. **راغب اصفهانی**، بر اساس حسن و قبح عقلی استدلال می‌کند. او می‌گوید که صدق و کذب، حسن و قبح ذاتی ندارند، بلکه قبح کذب به سبب نتایج زیان بار و ضررهایی است که دارد؛ وگرنه فی نفسه قبیح نیست. برای این که دروغ قبیح باشد، باید سه شرط وجود داشته باشد.

الف. خبر برخلاف واقعیت خارجی باشد؛

ب. خبر دهنده آن خبر را خود جعل کرده باشد؛

ج. مقصودش از آن خبر بیان اعتقادش باشد، نه دسترسی به نفعی که مهم‌تر از زیان دروغ باشد و جز از طریق آن دروغ نتوان بدان رسید.

بدین ترتیب دروغ گفتن به انگیزه دست یابی به نفعی بزرگ قبیح نیست. البته مقصود از نفع، نفع دنیوی نمی‌باشد، چرا که همه دنیا به کم‌ترین دروغی نمی‌ارزد، بلکه مقصود از نفع، نفع اخروی است؛ مانند دروغ گفتن برای نجات جان مسلمانی. چنین دروغی مجاز است، زیرا سود آن بیش از ضررش می‌باشد،^(۱).

نقد بر راغب اصفهانی:

طبق نظر راغب، کذب قبح ذاتی ندارد، قبح او به خاطر نتایج زیان بار و ضررهایی است که در پی دارد. بعد می‌فرماید دروغ گفتن به انگیزه دست یابی به نفع بزرگ قبیح نیست و مقصود از نفع، نفع اخروی است. مفهوم این حرف این است که دروغ گفتن بدون دست یابی به نفع بزرگ و یا به خاطر نفع مادی قبیح است.

^۱ . راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (؟). الذریعه الی مکارم الشریعه، ص ۲۷۲. به نقل از: اسلامی، سید حسن، (۱۳۸۲ ش). دروغ مصلحت آمیز، ص ۱۲۶. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

اشکال این است، که اگر دروغ گفتن قبیح ذاتی ندارد؛ و قبحش به خاطر ضرر و زیان است، پس در موارد که دروغ گفتن ضرر و زیان نداشته باشد قبیح نیست. در حال که خود ایشان می‌گویند که اگر دروغ گفتن نفع بزرگ معنوی نداشته باشد قبیح است.

۲. غزالی: بدان که دروغ ذاتاً حرام نیست، بلکه به سبب زیانی که برای مخاطب یا شخص دیگری در بردارد، حرام است و چه بسا جهلی که سودمند باشد و دروغ بتواند تأمین‌کننده آن جهل و در نتیجه مجاز باشد و گاه واجب گردد.

سپس در تبیین دیدگاه خود می‌گوید: سخن، وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف است؛ پس هر هدف نیکی که دست رسی به آن از دو طریق صدق و کذب ممکن است، دروغ گفتن در آن مورد حرام می‌باشد؛ حال اگر آن هدف مباح باشد و جز از طریق دروغ نتوان به آن دست یافت دروغ گفتن مباح می‌گردد و اگر هدف واجب باشد و جز از طریق دروغ نتوان به آن رسید، دروغ گفتن واجب می‌شود؛ (۱).

طبق این نظر دروغ گفتن دارای صور ذیل است:

۱. دست رسی از طریق راست گفتن به اهداف مقبول شارع ممکن است، در این صورت دروغ گفتن حرام است.

۲. دست رسی از طریق راست گفتن به اهداف مقبول شارع ممکن نیست، که خود بر دو صورت است:

الف. اگر هدف واجب باشد مانند نجات جان مسلمان بی‌گناه دروغ واجب می‌شود.

ب. اگر هدف مباح باشد، دروغ مباح است.

نقد بر غزالی:

غزالی می‌گوید دروغ ذاتاً حرام نیست، حرمت به این جهت است که به دیگران زیان می‌رساند؛ و سپس می‌گوید: دروغ گفتن در موارد حرام است که دست رسی به هدف نیک از دو طریق صدق و کذب ممکن باشد، و در غیر این صورت حرمت ندارد.

اشکال بر غزالی این است که اگر حرمت دروغ به جهت زیان رساندن به دیگران است، پس چرا دروغ گفتن در موارد که دست رسی به کار نیک از دو طریق صدق و کذب ممکن، حرام است. در حال که در این صورت ضرر و زیانی به کسی نرسیده است، و طبق نظر شما نباید حرام باشد.

^۱ . غزالی، محمد، (۱۴۱۹ق). احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۲۱۸. چاپ اول. حلب: دار الکتب الاسلامی.

و اشکال دیگر بر او این است که او می‌گوید: اگر هدف مباح باشد ما نتوانیم از طریق راست گفتن به او برسیم دروغ گفتن مباح است. در حال که قریب به اتفاق اهداف مسلمانان در امور زندگی‌اش مباح است، عده اندکی در پی اهداف نامشروع است، بنابراین در اغلب امور زندگی مسلمانان مجاز به دروغ گفتن است. پس چرا متون دینی ما به شدت از دروغ‌گویی منع نموده است؛ و فرد دروغ‌گو مورد لعن و نفرین خدای متعال قرار گرفته؛ و دروغ را کلید پلیدی‌ها، منشأ فسق، در به سوی نفاق، نماد بی‌ایمانی و... دانسته است. برای تحقیق بیشتر به کتاب [دروغ مصلحت آمیز] سید حسین اسلامی مراجعه شود.

۳. آیت الله مصباح، این بحث را با طرح چند سؤال شروع می‌کند می‌گوید: گر بخواهیم قائل به مطلق بودن اخلاق شویم، به این شبهه چگونه جواب می‌دهیم؟ هم بگوییم اخلاق مطلق است و هم بعضی جاها راست گفتن بد است؟ دروغ گفتن بعضی جاها خوب است؟ آیا این تناقض نیست؟. وقتی می‌گوییم راست گفتن خوب است، یک چرا دارد، چرا خوب است؟ در مقام تحلیل این که راست گفتن خوب است، مثلاً به این نتیجه می‌رسیم که مصالح جامعه در گرو راست گفتن است. این حد وسط که اثبات حسن برای صدق می‌کند و علت ثبوت حکم است برای موضوع، این علت معمم و مخصص است. هر جا مصلحت اجتماعی باشد، خوب است؛ ولو دروغ گفتن باشد و هر جا مفسده اجتماعی باشد بد است؛ ولو راست گفتن باشد، (۱).

طبق این دیدگاه موضوع اصلی حکم اخلاقی، مصلحت و مفسده است و هر گاه مصلحت اجتماعی باشد، خوب است و هر گاه مفسده اجتماعی باشد، بد است. بنابراین ملاک خوب و بد بودن صدق و کذب مصالح و مفاسد اجتماعی است.

نقد بر مصباح:

طبق تقریر ایشان، دروغ قبح ذاتی ندارد، اگر دروغ مفسده اجتماعی داشته باشد قبیح است، و اگر مصلحت اجتماعی داشته باشد حسن است؛ و اگر مصلحت و مفسده نداشته باشد مباح است.

اولاً، این تقریر بر خلاف نص صریح است، خداوند متعال در مذمت کذب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرُ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.» (۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنانی می‌گویید که انجام نمی‌دهید نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید. «أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي

۱. مصباح، محمدتقی، (۱۳۸۱ ش). دروس فلسفه اخلاق، ص ۱۸۶-۱۸۷. چاپ هشتم. تهران: انتشارات اطلاعات.

۲. صف، (۶۱)، آیه ۲ و ۳.

مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» (۱)؛ خدا کسی را که دروغ گو و کافر است هدایت نمی کند. «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (۲)؛ از سخن باطل و بی اساس [دروغ] بی پرهیزید هر سه آیه مطلق است، یعنی هر دروغی (چه مصلحت داشته باشد چه مفسده) در نزد خدا ناپسند است؛ و باید از آن اجتناب شود؛ و لذا خدا هیچ دروغ گویی را هدایت نمی کند، چه دروغ مصلحت آمیز باشد یا مفسده خیز. و نیز روایات متعدد وجود دارند که از هر نوع دروغ منع می کنند، من جمله، امام علی (ع) فرمود: «الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ» (۳)؛ ایمان این است که راستی را در جایی که به زیان توست بر دروغی که به سود توست مقدم بداری. در این حدیث راست زیان بخش بر دروغ مصلحت آمیز ترجیح داده شده است.

ثانیاً، این تقریر دارای ابهامات متعدد است:

۱. در این تقریر معیار مصلحت و مفسده اجتماعی مشخص نشده است؛ و چه کسی باید این معیار را مشخص کند؛ آیا هرکسی و هر دروغ را که فکر می کند بر مصلحت جامعه است، چنین دروغ های جایز است؟
۲. مصلحت کدام اجتماع مراد است، با توجه به این که اقوام مختلف و کشورهای متعدد وجود دارند، ممکن است دروغی بر مصلحت یک قوم یا کشوری باشد ولی بر ضرر یک قوم و کشور دیگر باشد، آیا چنین دروغی جایز است؟
۳. ممکن است دروغی در کوتاه مدت بر مصلحت جامعه باشد، اما در بلند مدت بر ضرر جامعه باشد، آیا چنین دروغی جایز است؟

۴. استاد مطهری: راستی یک حکم مطلق نیست، بلکه تابع فلسفه خودش است و گاهی راستی فلسفه خودش را از دست می دهد. فرق است میان دروغ مصلحت آمیز و دروغ منفعت خیز. خیلی افراد، دروغ منفعت خیز را با دروغ مصلحت آمیز اشتباه می کنند یا می خواهند اشتباه بکنند. دروغ مصلحت آمیز، یعنی دروغی که

۱. زمر، (۳۹)، آیه ۳.

۲. حج، (۲۲)، آیه ۳۰.. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴). مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۱۶۳. چاپ دوم. تهران: نشر مرتضوی.

۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصباحی صالح)، حکمت ۴۵۸، ص ۵۵۶. چاپ اول. قم: نشر هجرت.

فلسفه خودش را از دست داده و فلسفه راستی را پیدا کرده است؛ یعنی دروغی که با آن انسان حقیقتی را نجات می‌دهد، ولی دروغ منفعت خیز، یعنی انسان دروغ می‌گوید که خودش سودی برده باشد. مسئله مصلحت با مسئله منفعت نباید اشتباه شود. مصلحت، دایره مدار حقیقت است. مصلحت و حقیقت دو برادر هستند که از یکدیگر جدا نمی‌شوند. مصلحت، یعنی رعایت حقیقت را کردن، نه رعایت سود خود را کردن، که این منفعت است. (۱).

نقد بر استاد:

استاد مطهری می‌گوید: دروغ مصلحت آمیز خوب است، دروغ منفعت خیز بد است. اولاً، این بیان بر خلاف اطلاق نص است، آیات و روایات به صورت مطلق دروغ‌گو را مورد نکوهش و راست گو را مورد ستایش قرار می‌دهند، چنانکه خداوند متعال فرمود: «وَيَلُّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ» (۲)؛ وای بر هر دروغ‌گوی گناهکار. «قَتِيلَ الْخِرَاصُونَ» (۳)؛ مرگ باد بر آن دروغ‌گویان. امام حسن عسکری (ع) فرمود: «جُعِلَتْ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ، وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكُذْبُ» (۴)؛ تمام پلیدی‌ها در اتاقی قرار داده شده و کلید آن اتاق، دروغ است. امام علی (ع) فرمود: «الصِّدْقُ صِلَاحٌ كُلُّ شَيْءٍ وَالْكَذِبُ فَسَادٌ كُلُّ شَيْءٍ» (۳) صدق مایه اصلاح هر چیزی است و دروغ هر چیزی را نابود و فاسد می‌کند.

ثانیاً: این بیان دارای ابهامات متعدد است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. چه تفاوت است بین مصلحت و منفعت؟
۲. دروغ برای حفظ جان، مال و آبرو، مصلحت آمیز است یا منفعت خیز؟
۳. آیا دروغ برای ترویج دین مصلحت آمیز است و جایز؟
۴. مصلحت چه کسی، چه گروهی و کدام جامعه مراد است. با این بیان ابهام این سؤالات بر طرف نمی‌شود. در نتیجه باید گفت که با توجه به مفهوم آیات و روایات به نظر می‌رسد که دروغ قبح ذاتی دارد؛ و دروغ گفتن فقط از باب ضرورت و اضطرار جایز است. برای اینکه این استثنائات ضروری بهانه برای افراد دروغ‌گو قرار نگیرند، که برای هر موضوع جزئی دروغ بگویند و اسم آن را دروغ مصلحتی یا اضطراری بگذارد. موارد محدود

۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵ ش). فلسفه اخلاق، ص ۸۳. چاپ شانزدهم. انتشارات صدرا.

۲. جائیه، (۴۵)، آیه ۷.

۳. ذاریات، (۵۱)، آیه ۱۰.

۴. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، (۱۴۰۸ ق). نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۴۵. چاپ اول. قم: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در روایات استشنا شده است؛ که این موارد عبارتند از: دروغ برای صلح و آشتی، برای اغفال دشمن در جنگ، در مقام تقیه و وعده به خانواده و همسر؛ و در غیر این موارد هرگونه دروغ، حرام و گوینده آن مستحق مجازات است.

۴. آثار دروغ

دروغ آثار زیان‌باری معنوی و مادی در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به دنبال دارد، که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. دروغ گو هدایت نمی‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «انَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» (۱)؛ به را سستی خدا شخصی را که اسراف کننده و دروغ‌گو باشد هدایت نمی‌کند. در آیه دیگر می‌فرماید: «انَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» (۲)؛ خدا کسی را که دروغ‌گو و کافر است هدایت نمی‌کند. در آیه دیگر می‌فرماید: «قُلْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ عَلٰى اللّٰهِ الْكُذِبَ لَا يَفْلِحُوْنَ» (۳)؛ یا محمد (ص) به اینان بگو: حتماً آن افرادی که به خدا دروغ می‌بندند رستگار نخواهند شد. چرا که این افراد خود زمینه‌های هدایت را نابود کرده‌اند، زیرا خداوند فیض

۱. غافر، (۴۰)، آیه ۲۸.

۲. زمر، (۳۹)، آیه ۳.

۳. یونس، (۱۰)، آیه ۶۹.

هدایتش را به زمینه‌هایی می‌فرستد که لایق و آماده پذیرش آنند، نه دل‌هایی که آگاهانه هر گونه آمادگی را در خود نابود کرده‌اند، (۱).

۲. دروغ منجر به نفاق می‌شود. «فَاعْتَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (۲)؛ و بر اثر این نقض عهد و دروغ، خداوند در دل‌های ایشان ظلمت نفاق افکند تا روزی که به کیفر اعمال زشت خود برسند و نتیجه دروغ خود را به بینند. امام علی (ع) فرمود: «الْكَذِبُ يُؤَدِّي إِلَى النِّفَاقِ» (۳)؛ دروغ منجر به نفاق می‌شود. امام صادق (ع) فرمود: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى مَنْ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ» (۴)؛ سه صفت در هر کس باشد منافق است اگر چه روزه گیرد و نماز بخواند، کسی که هنگام سخن گفتن دروغ بگوید و وقتی که وعده دهد تخلف نماید و چون امانت بگیرد، خیانت نماید. باید توجه نمود که هدف منافق و دروغ‌گو یک چیز است و آن پوشاندن واقعیت و حقیقت است، هر دو گروه سعی می‌کنند که اذهان را منحرف کنند و دیگران را به گمراهی بی‌کشاند و حقیقت را پنهان کنند.

۳. دروغ روزی را کم می‌کند. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «الْكَذِبُ يَنْقُصُ الرِّزْقَ» (۵)؛ دروغ روزی انسان را کم می‌کند. امام علی (ع) فرمود: «اعْتِيَادُ الْكَذِبِ يُورِثُ الْفَقْرَ» (۶)؛ عادت به دروغ موجب فقر می‌شود. زیرا دروغ منشأ فساد است، جامعه‌ی که به دروغ‌گویی مبتلا شود چنین جامعه‌ی دچار انواع فساد می‌شود، مثل: کم‌کاری، دزدی، رشوه‌خاری، تقلب‌کاری و...، جای بحث نیست که فساد اجتماعی و اقتصادی موجب فقر می‌شود؛ و علاوه بر این دروغ گناه است و گناه موجب قطع رحمت می‌شود، یکی از رحمت‌های الهی رزق و روزی است.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۶۹. چاپ هیجدهم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲. توبه، (۹)، آیه ۷۷.

۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیثی). تحقیق: حسنی بیرجندی، حسین، ص ۲۹. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳ ش). تحف العقول. تحقیق: غفاری علی اکبر، ص ۳۱۶. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.

۵. پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲ ش). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۳۷۳. چاپ چهارم. تهران: دنیای دانش.

۶. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش). الخصال. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۵۰۵. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.

۴. دروغ ارزش انسان را از بین می‌برد. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةِ نَفْسِهِ» (۱)؛ دروغ گو دروغ نمی‌گوید، جز بر اثر خواری جاننش. امام صادق (ع) فرمود: «لَا تَكْذِبْ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُكَ» (۲)؛ دروغ نگو چون ارزش تو از بین می‌رود.

۵. دروغ گویی عذاب آخرت را در پی دارد. خداوند متعال فرمود: «وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (۳)؛ برای آنان عذابی است دردناک، به علت آن دروغ‌هایی که می‌گفتند.

امام علی (ع) فرمود: «ثَمَرَةُ الْكُذْبِ الْمَهَانَةُ فِي الدُّنْيَا وَالْأُخْرَةِ» (۴)؛ نتیجه دروغ، خواری در دنیا و عذاب در آخرت است. امام صادق (ع) فرمود: «وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يَدْخُلُهُمُ اللَّهُ النَّارَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فِإِمَامٌ جَائِرٌ وَ تَاجِرٌ كَذُوبٌ وَ شَيْخٌ زَانٌ» (۵)؛ سه گروهند که خداوند آن‌ها را بدون حساب وارد دوزخ می‌کند: پیشوایان ستمگر و تاجران دروغ‌گو (که با دروغ و توطئه خود، خون محرومان را می‌مکند) و پیرمردان زناکار.

۶. عاقبت دروغ پشیمانی ست. امام علی (ع) فرمود: «عَاقِبَةُ الْكُذْبِ مَلَامَةٌ وَ نَدَامَةٌ» (۶)؛ عاقبت دروغ ندامت و پشیمانی است.

۷. دروغ فراموشی می‌آورد. امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ مِمَّا أَعَانَ اللَّهُ بِهِ عَلَيَّ الْكُذَّابِينَ النَّسِيَانَ» (۷)، خداوند فراموشی را بر دروغ‌پردازان مسلط می‌سازد.

۱. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). الإختصاص. تحقیق: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود. ص ۲۳۳. چاپ اول. قم: المؤتمر العالمي لا لفيه الشيخ المفيد.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ ش). الأملی (للصدوق)، ص ۵۴۳. چاپ ششم. تهران: کتابچی.

۳. بقره، (۲)، آیه ۱۰.

۴. لیلی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیلی). تحقیق: حسنی بیرجندی، حسین، ص ۲۰۹. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش). الخصال. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۸۰. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.

۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق: درایتی، مصطفی؛ ص ۲۲۱. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۳۴۱. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۸. دروغ موجب آشفته‌گی و ناآرامی می‌شود. امام حسن (ع) فرمود که رسول خدا (ص) فرموده است: «فَإِنَّ الصِّدْقَ طَمَآنِينَةٌ وَ الْكُذِبَ رِيْبَةٌ» (۱)؛ راستی مایه آرامش است و دروغ مایه تشویش.

۹. دروغ انسان را در معرض هلاکت قرار می‌دهد. امام علی (ع) فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ الصَّادِقَ عَلَيَّ شَفَا نَجَاةٍ وَ كَرَامَةٍ أَلَا وَ إِنَّ الْكَاذِبَ عَلَيَّ شَفَا مَخْزَاةٍ وَ هَلَكَةٍ» (۲)؛ آگاه باشید که راست‌گو در مسیر نجات و کرامت است، دروغ‌گو بر لب پرتگاه هلاکت و پستی قرار دارد. امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ الْكَذَّابَ يَهْلِكُ بِالْبَيِّنَاتِ وَ يَهْلِكُ أَتْبَاعُهُ بِالشُّبُهَاتِ» (۳)؛ دروغ‌گو با دروغ‌های آشکار خود را نابود می‌کند و پیروان خود را هم با ایجاد شک و شبهه به نابودی می‌کشاند.

۵. علل دروغ‌گویی

دروغ‌گویی علل متعدد دارد که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. ضعف یا عدم ایمان به آیات الهی

«إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (۴)؛ کسانی دروغ می‌گویند که به آیات خدا ایمان ندارند. زیرا کسانی که به خدا و آیات او ایمان دارند، فرمان او را به جان و دل می‌خرند و مطیع فرمان اوست چگونه می‌تواند دروغ بی‌گوید، در حال‌که خدا و رسولش به شدت از دروغ‌گویی منع نموده است.

امام علی (ع) فرمود: «لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرَكَ الْكُذِبَ هَزْلَةً وَ جِدَّةً» (۵)؛ انسان هیچ‌گاه طعم ایمان را نمی‌چشد تا دروغ را ترک گوید خواه شوخی باشد یا جدی. امام باقر (ع) فرمود: «إِنَّ الْكُذِبَ هُوَ خَرَابٌ

۱. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ ق). کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه. تحقیق: رسولی محلاتی، سید هاشم، ج ۱، ص ۵۳۵. چاپ اول. تبریز: بنی هاشم.

۲. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، (۱۴۰۲ ق). الزهد. تحقیق: عرفانیان یزدی، غلامرضا، ص ۱۳. چاپ دوم. قم: المطبعه العلمیه.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۳۳۹. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۴. نحل، (۱۶)، آیه ۱۰۵.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۳۴۰. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

الْإِيمَانِ»^(۱)؛ دروغ ویران کننده ایمان است. بنابراین دروغ با ایمان در تضاد است و ممکن نیست مؤمن دروغ گو باشد.

۲. ترس

از جمله عوامل دروغ گویی ترس از مجازات است، ترس انسان را وادار می کند که دروغ بگوید، در واقع دروغ یک پناه گاهی کاذب برای افراد ترسو است، افراد ترسو دروغ می گویند تا از این طریق امنیت مالی و جانی خود را تأمین کنند.

۳. حسادت

از جمله عوامل دروغ گویی حسادت است، افراد حسود برای رسیدن به مقصود خود از هر وسیله نا مشروع مانند ظلم، غیبت، تهمت، دروغ و... استفاده می کنند. چنانکه برادران حضرت یوسف به خاطر حسادت که به یوسف داشتند به پدر خود دروغ گفتند و در حق برادرش ظلم نمودند، «قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّبُّ وَ مَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَ لَوْ كُنَّا صَادِقِينَ»^(۲)؛ برادران یوسف گفتند: ای پدر! ما رفتیم مشغول مسابقه شدیم، و یوسف را نزد اثاث خود گذاشتیم، بعداً گرگ او را خورد، و تو سخن ما را تصدیق نمی کنی، و لو اینکه راست گو باشیم.

۴. حقارت: از جمله عوامل دروغ گویی احساس حقارت و خواری می باشد که انسان را به دروغ گویی وادار می کند؛ پیامبر اسلام (ص) فرمود: «لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةٍ نَفْسِهِ»^(۳)؛ شخص دروغ گو به خاطر پستی و حقارت نفس خود دروغ می گوید.

۵. تلقین به دروغ

از جمله عوامل دروغ گویی، تلقین به دروغ است. این مورد در بین کودکان رایج است در واقع کودکان دروغ گفتن را از طریق تلقین یاد می گیرند؛ یعنی پدر، مادر و بزرگ ترها و محیط آلوده، دروغ گفتن را به آنان تلقین

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۳۳۹. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲. یوسف، (۱۲)، آیه ۱۷.

۳. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). الإختصاص. تحقیق: غفاری، علی اکبر و محرمیزرندی، محمود، ص ۲۳۲. چاپ اول. قم: المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید.

می‌کنند. پیامبر اسلام فرمود: «لَا تَلْقُوا الْكَذِبَ فَتَكْذِبُوا فَإِنَّ بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الذُّبَّ يَأْكُلُ الْإِنْسَانَ حَتَّى لَقَنَهُمْ أَبُوهُمْ»^(۱)؛ دروغ گفتن را به دیگران تلقین نکنید که به شما دروغ گفته می‌شود؛ زیرا پسران حضرت یعقوب نمی‌دانستند که گرگ انسان را می‌خورد تا اینکه پدرشان این مطلب را به آنان تلقین کرد.

۶. کم عقلی

از جمله عوامل دروغ گویی کم عقلی است. اگر انسان تعقل داشته باشد و پیامدهای دروغ را در نظر بگیرد، هیچ‌گاه دروغ نمی‌گوید. امام علی (ع) در این باره فرمود: «مَا كَذَبَ عَاقِلٌ»^(۲)؛ انسان عاقل دروغ نمی‌گوید. امام موسی کاظم (ع) فرمود: «إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاهُ»^(۳)؛ انسان عاقل دروغ نمی‌گوید هر چند به آن تمایل داشته باشد.

نتیجه گیری

مهم‌ترین یافته‌های این مقاله به شرح ذیل است:

۱. دروغ در لغت: به معنای خبر دادن از چیزی برخلاف آنچه که هست چه عمداً چه نسیاناً.
۲. دروغ در اصطلاح: خبر دادن بر خلاف واقعیت و حق در انواع مختلف آن است، دروغ زبانی، عملی، امر خارجی و معنوی. راجع به دروغ تعاریف متعدد وجود دارند؛ و تمام این تعاریف بیان‌گر سه دیدگاه است:
 - الف. دروغ به خبر گفته می‌شود که بر خلاف واقع باشد، اعتقاد وعدم اعتقاد در آن نقشی ندارد.
 - ب. ملاک در صدق و کذب مطابقت و عدم مطابقت با اعتقاد است، دروغ به خبر گفته می‌شود که مطابق اعتقاد نباشد، اگرچه مطابق واقع باشد.

^۱ جزائری، نعمت الله بن عبد الله، (۱۴۰۴ ق). النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین، ص ۱۵۹. چاپ اول. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

^۲ لیبی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش)؛ عیون الحکم و المواعظ. تحقیق: حسنی بیر جندی، حسین، ص ۴۷۶. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

^۳ . کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق). کافی، ج ۱، ص ۳۹. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

ج. دروغ به خبر گفته می‌شود که یا مخالف واقع باشد و یا مخالف اعتقاد باشد و یا مخالف هردو، راست به خبر گفته می‌شود که هم مطابق واقع باش و هم مطابق اعتقاد.

هر سه دیدگاه خالی از اشکال نیست، ولی دید گاه اول معقول به نظر می‌رسد.

۳. دروغ در قرآن: دروغ دارای مفهوم گسترده است، یعنی بیان کردن و نشان دادن هر نوع خلاف واقع و حق و گمراه کردن دیگران به هر وسیله‌ی دروغ است.

۴. مذمت دروغ در متون دینی: متون دینی ما، دروغ را کلید پلیدی‌ها و گناهان، منشأ فسق، در به سوی نفاق، نماد بی‌ایمانی، بدترین سخن، بزرگ‌ترین خطا، بزرگ‌ترین گناه، زشت‌ترین خصلت‌ها، مایه بی‌اعتمادی و خیانت به دیگران می‌دانند و از مسلمانان می‌خواهند که از آن پیر هیزند.

۵. جواز دروغ: با توجه به این که دروغ زیان‌های زیادی برای جوامع بشری از نظر مادی و معنوی، فردی و اجتماعی در پی دارد، و تا ضرورت و مصلحت مهمی در کار نباشد گفتن دروغ جایز نیست، بنابراین در موارد خاص دروغ مجاز شمرده شده است که این موارد عمدتاً عبارتند از:

دروغ برای صلح و آشتی، دروغ برای اغفال دشمن در جنگ، دروغ در مقام تقیه، و دروغ به خانواده و همسر. در تمام این موارد، در صورت ضرورت و حفظ هدف مهم‌تر دروغ جایز است.

۶. انظار در جواز دروغ: قوانین در صورت کارایی دارند، که کلی و عام باشند و اگر قید یا استثنایی داشته باشند، باید روشن معین باشد؛ وگرنه کارایی خود را از دست می‌دهند. امور اخلاقی نیز از این قاعده کلی خارج نیست. حال با این پرسش مواجه هستیم که اگر حکم دروغ نگو مطلق است، چگونه با استثناهایی که در این مورد وجود دارد قابل جمع است؟.

به طور کلی چهار دیدگاه برای جمع میان اطلاق این حکم و این استثناءها وجود دارد، که عبارتند از: راغب اصفهانی، غزالی، آیت الله مصباح و استاد مطهری. هر چهار دیدگاه خالی از اشکال نیست.

۷. آثار دروغ: دروغ آثار زیان‌باری فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به دنبال دارد، که عبارتند از: دروغ گو هدایت نمی‌شود، دروغ منجر به نفاق می‌شود، روزی را کم می‌کند، ارزش انسان را از بین می‌برد، عذاب آخرت را در پی دارد، عاقبتش پشیمانی است، فراموشی می‌آورد، موجب آشفتگی و ناآرامی می‌شود و انسان را در معرض هلاکت قرار می‌دهد.

۸. علل دروغ‌گویی: دروغ‌گویی علل متعدد دارد که عبارتند از: ضعف یا عدم ایمان به آیات الهی، ترس، حسادت، حقارت، تلقین به دروغ و کم عقلی.

در پایان ذکر این نکته لازم است، که هدف بنده از این پژوهش این بوده که شاید بی توانم قطره‌ای از دریایی معرفت قرآن و روایات معصومین (ع) را در این نوشتار بیان نمایم. از خداوند متعال برای معرفت بیشتر استمداد می‌جویم. خداوند را شاکرم که توفیق دیگری حاصل شد که این مقاله را نیز در راستای علوم اسلامی بنویسم تا شاید به ترویج دین مبین اسلام نقش کوچکی داشته باشم.

منابع

۱. قرآن
۲. ابن الشعث، محمد بن محمد، (؟). الجعفریات (الأشعثیات). چاپ اول. تهران: مکتبه النبوی الحدیثه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ ش). الأمالی (للصدوق). چاپ ششم. تهران: کتابچی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش). الخصال. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۵۰۵. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. تحقیق: غفاری، علی اکبر. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم .

۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳ ش). تحف العقول. تحقیق: غفاری، علی اکبر. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.
۷. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ ق). کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه. تحقیق: رسولی محلاتی، سید هاشم. چاپ اول. تبریز: بنی هاشم.
۸. اسلامی، سید حسن، (۱۳۸۲ ش). دروغ مصلحت آمیز. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ ق). المحاسن. تحقیق: محدث، جلال الدین. چاپ دوم. قم: دار الکتب الاسلامیه .
۱۰. بیهقی، احمد بن حسین، (؟) السنن الکبری، ج ۱۰. بیروت: دار الفکر.
۱۱. پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲ ش). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چاپ چهارم. تهران: دنیای دانش .
۱۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق: درایتی، مصطفی. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات.
۱۳. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، (۱۴۱۰ ق). الغارات. تحقیق: حسینی، عبد الزهراء. چاپ اول. قم: دار الکتب الإسلامی.
۱۴. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، (۱۴۰۸ ق). نزهة الناظر و تنبیه الخاطر. چاپ اول. قم: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴). مفردات الفاظ قرآن. چاپ دوم. تهران: نشر مرتضوی.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (؟). الذریعه الی مکارم الشریعه.
۱۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصباحی صالح). چاپ اول. قم: هجرت.
۱۸. شعیری، محمد بن محمد، (؟). جامع الأخبار (لشعیری). چاپ اول. نجف: مطبعه حیدریه.
۱۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

٢٠. طباطبای، سید محمد حسین، (١٤١٧ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
٢١. طریحی، فخر الدین بن محمد، (١٣٧٥ ش). مجمع البحرین. تحقیق: حسینی اشکوری، احمد. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.
٢٢. طوسی، محمد بن الحسن، (١٤١١ ق). مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد. چاپ اول. بیروت: موسسه فقه الشیعه.
٢٣. عبدالله بن محمد بن عبید بن أبیس الدنیا، (١٤١٠). کتاب الصمت و آداب اللسان. تحقیق: أبو اسحاق الحوینی. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العربی.
٢٤. غزالی، محمد، (١٤١٩ ق). احیاء علوم الدین. چاپ اول. حلب: دار الکتب الاسلامی.
٢٥. فواد عبد الباقي، محمد، (١٣٦٩ ش). المعجم المفهرس. چاپ نهم. تهران: انتشارات اسماعیلیان.
٢٦. فیومی، احمد بن محمد، (?). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: موسسه دار الهجرة.
٢٧. قرشی، علی اکبر، (١٣٧١ ش). قاموس قرآن. چاپ ششم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
٢٨. کلینی، محمد بن یعقوب، (١٤٠٧ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
٢٩. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، (١٤٠٢ ق). الزهد. تحقیق: عرفانیان یزدی، غلامرضا. چاپ دوم. قم: المطبعة العلمیه.
٣٠. لیثی واسطی، علی بن محمد، (١٣٧٦ ش). عیون الحکم و المواعظ (لللیثی). تحقیق: حسینی بیرجندی، حسین. چاپ اول. قم: دار الحدیث.
٣١. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (١٤٠٣ ق). بحار الأنوار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٣٢. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (١٤٠٤ ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تحقیق: رسولی محلاتی، هاشم. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
٣٣. مصباح، محمد تقی، (١٣٨١ ش). دروس فلسفه اخلاق. چاپ هشتم. تهران: انتشارات اطلاعات.

۳۴. مصطفوی، حسن، (؟). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵ ش). فلسفه اخلاق. چاپ شانزدهم. انتشارات صدرا.
۳۶. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). الإختصاص. محقق: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود. چاپ اول. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه. چاپ هیجدهم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۸. موسوی همدانی، محمد باقر، (۱۳۷۴ ش). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۰. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق). مجموعه ورام. چاپ اول. قم: مکتبه فقیه.
۴۱. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، (۱۴۰۴ ق). النور المبین فی قصص الأنبیاء و المرسلین. چاپ اول. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.